

۱- بهترین دلیل بر اینکه آفریدگار دارای این دوست میباشد ، مطالعه همین دستگام جهان آفرینش است زیرا آفرینش يك اتم از اتمهای بی شمار این جهان و یا ساختن يك سلول اولاً احتیاج بدانستن کیفیت ساختمان و شناختن اجزاء آن و ثانیاً محتاج بتوانائی انجام آن دارد . مجالست کسی که از حقیقت چیزی اطلاع ندارد ، یا آفرانمیشناسد و توانائی بر انجام آن ندارد ، بتواند آنرا بسازد و تحقق دهد ، بطوری که جای هیچ حرفی نباشد . پس اگر کسی کاری را انجام دادیمیمیم بطور حتم هم راه آن کار را میدانسته ، و هم قدرت بر آن عمل داشته است و اگر روزی این کار از هم پاشید برای او ممکن است که دوباره آنرا بصورت اول در آورد .

۲- اینکه اگر کسی کار مشکل و عجیبی که از عهد همه مردم یا بیشتر آنها خارج بود ، انجام داد با وجود آن حکم میکنیم که قادر است کارهای کوچک و ساده تر از همان نوع بر ا هم بطور مسلم انجام دهد .

فی المثل اگر کسی از عهد حل مشکلترین مسائل ریاضی بر آمد و توانست بفاصله کوتاهی گره آن مسئله را باز کند ، میفهمیم که قدرت بر حل مسائل آسانتر هم دارد .

همچنین اگر معماری توانست ساختمان باشکوه و مجللی را که رموز معماری زیادی در آن بکار برده شده است بسازد بطوری که هر مهندس دقیق عالیتقدری در برابر عظمت آن بنادست عیрт بپردازد که در این کار او میفهمیم همان طوری که قادر بر این انجام این عمل بوده قدرت بر ساختن يك عمارت معدولی و ساختمان ساده هم دارد

در اینجا باصل موضوع برگشته و میگوئیم پس آن خدائی که بشر را از خاک آفریده و این کرات عظیم الخلقه و کوهکشا نهایی حیره کننده را خلقت نموده میدانند که چگونه مردگان را زنده کند ،

او قدرت بر زنده کردن آنها دارد ، اگر ندارد ، چگونه از اول او را آفریده ؟ آیا بر گرداندن انسان مرده بصورت اول مشکلتر است یا خلقت کوهکشا نهایی و سحابیهایی مهیب ؟ چنانچه بر این کارها توانا بود ولی بر یک امر ساده تر توانا نیست ؟ قرآن کریم در حدود ۸ مورد مورد از همین راه توانائی بی پایان خدا بر امکان زنده شدن پس از مرگ استدلال نموده است و در بعضی از همین موارد داناتی خداوند را بر هر چیز اضافه نموده است . در حقیقت اینگونه آیات اثبات میکنند که خداهم میدانند که چگونه دوباره بشر بسازد ، و هم بر این کار توانائی دارد اکنون قسمی از آیات را ملاحظه فرمائید :

۱- فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ خَلَقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ يُخْرَجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ طارِق ۵ یعنی بشر باید فکر کند که از چه آفریده شده

زنده شدن مردگان

از نظر قرآن و علم امروز

علم و قدرت خدا

آرزوی فارابی

دلایلهائی که برای امکان زنده شدن مردگان آورده میشود ، در همه رفته میتوانیم آنها را بدو قسمت تقسیم کنیم : یکی آنها تئیکه بطور مستقیم بدون توقف بر موضوع اثبات آفریدگار و صفات او ، مقصد ما را روشن میسازد و ثابت میکند ، که سزاوار است برداشتن برای مردگان موضوعی قابل امکان و تحقق است .

دیگر آنها تئیکه موقوف بر اثبات مبده و صفات اوست ، که تا از قسمت اول قرائت پیدا نکنیم ، نمیتوانیم با آنها استدلال نمائیم ، آنچه تاکنون توضیح داده ایم چه از دلایلهای قرآنی و چه غیر آنها همه از همان قسم اول بوده و احتیاجی به بحث خدانشناسی نداشته است . حتی اگر کسی فرحاً هم مادی باشد و برای جهان آفرینش خالق قائل نباشد ، آن دلایلهای میتوانند مستقلاً امکان زندگی جسمانی پس از مرگ را ثابت کنند و طرف را قانع نمایند .

ولی این دلیلی که حالا میخواهیم از نظر قرآن کریم بیان کنیم موقوف بر دو مسئله اثبات خدا و صفات او است که خوب بختاً نه هر دو را در همین مجله مطالعه کرده ایم ، و بطور اختصار دو صفت ، از صفاتی که مربوط با پنجاست توضیح میدهم :

علم و قدرت خدا

پس از آن که از راههای گوناگون توحیدی ، وجود خدا را اثبات کردیم : نوبت به بحث صفات خدا میرسد و میگوئیم یکی از صفات خدا دانائی و دیگری توانائی است ، یعنی خداوند همه چیز را میداند و هر کاری را هم میتواند انجام دهد و برای اثبات این دو مدعا دو دلیل داریم .

است. از آب جهنده‌ای که از بین پشت و سینه خارج میشود آفریده شده است. بطور حتم (آن خدائی که او را اینچنین آفرید) بر برگردانیدن او قادر و تواناست ۱

۴ - ای حسب الانسان ان لن نجتمع عظامه بلی قادرین علی ان نسوی بنازله .
(سوره قیامت آیه ۳ و ۴) یعنی : آیا انسان خیال میکند که ما نمیتوانیم استخوانهای او را جمع (دزنده) کنیم؟ آری ما توانائیم که سرانگشتان او را (باعضه خلوصه ریز ریزش) باز بطور کامل بسازیم ۱

۳ - او لم یروا ان الله الذی خلق السموات والارض و لم یعی بخلقهم بقادر علی ان یحیی الموتی بلی انه علی کل شیء قدید (احقاف ۲۲)

یعنی : آیا این مردم نمیفهمند که آن خدائی که آسمانها را آفرید و از خلقت (عجیب و پر- اسرار) آنها عاجز نشد ، قادر است که مردهگان را زنده کند ؟ آری خدا پر همه چیز قادر است.
در آیه ۹۹ سوره (اسراء) و ذیل آیه ۲۰ (عنکبوت) و ۸۱ و (یس) و ۹ (شوری) نیز از همین راه استدلال شده است .

آرزوی فارابی

در آیه ۲۹ سوره یس در جواب آنکسی که میگفت کی میشود استخوانهایی که پوسیده و خاک شده است دوباره زنده کند ، میفرماید : **قل یحییها الذی انشأها اول مرة** : یعنی : بگو همان کسی که اول او را آفرید زنده میکند . در این جواب اگر چه تصریح بقدرت خداوند نشده ؛ ولی روح جواب این است که خداوند در مرتبه اول استخوانها را آفرید

و کسی که در اول قادر بر آفریدن بود بعداً هم این قدرت را دارد پس بازگشت این جواب هم بهمان توانا بودن پروردگار است .

روی همین معنی فیلسوف اسلامی فارابی آرزو میکرده است که : **ای کاش ارسطو فیلسوف بزرگ یونانی که در مسأله معاد جسمانی مانده بود بر استدلال این آیه آگاهی پیدا میکرد ، تا دلیل روشنی بر امکان معاد جسمانی در دست داشت (۱)**